

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهزاد مالکی

۱۷ جنوری ۲۰۲۰

تلاش اصلاح طلبان برای مصادره جنبش اعتراضی توده های مردم

فرو انداختن هواپیمای اوکراینی و کشته شدن ۱۷۶ تن سرنشین آن در اثر اصابت راکت سپاه پاسداران و روشن شدن دروغ ها و افتضاح سپاه و سردمداران ریز و درشت حکومت، موج بزرگی از اعتراض و خشم توده ئی را برانگیخت که هنوز ادامه دارد. رژیم با تعزیه گردانی و سازماندهی تشییع جنازه قاسم سلیمانی سعی کرد اثرات روانی و اجتماعی خیزش آبان ماه [عقرب] را بزدايد و آب رفته را به جوی بازگرداند. موج کنونی اعتراضات، چهره عریان تضادهای عمیق اجتماعی را از نو و بسرعت آشکار کرد و رژیم را در مقابل تناقض سیاست های ضد مردمی اش قرار داد. اگر چه هنوز زود است که به تحلیل نهائی آثار این موج جدید بپردازیم ولی می توان به یک ویژگی آن در رابطه با خیزش دی ماه [جدی] ۹۶ و آبان ماه [عقرب] ۹۸ و سلسله اعتصابات و تظاهرات کارگران در آن فاصله، اشاره کرد که از منظر ترکیب اجتماعی تظاهرکنندگان و ارائه خواست ها و شعارها مهم اند. این تظاهرات عمدتاً در دانشگاه ها آغاز شد و در شهرهای بزرگی چون تهران، اصفهان، اهواز، شیراز، کرمانشاه، مشهد، زنجان، بابل، یزد و غیره ادامه پیدا کرده است. نشانه هائی در دست است که می توان گفت که این بار خلاف خیزش های آبان ماه، با حضور نسبتاً پر رنگ تر اقشار میانی و نیروهای نزدیک به اصلاح طلبان روبه رو هستیم. این بدان معنی نیست که اصلاح طلبان و همپالگی های آنان مبتکر و آغازگر این حرکت جدیدند بلکه به معنای تلاش آنها برای بهره برداری از آن و جا انداختن خواست های خود از طریق این اعتراضات هستند. طنین شعار «رفراندم» در میانه تظاهرات در تهران و یا شعار «الله اکبر» و حضور انجمن اسلامی ها و طرفداران اصلاح طلبان در تظاهرات روز دوشنبه در دانشگاه اصفهان نشانگر تلاش اصلاح طلبان برای مصادره این حرکت و تغییر یا تحت شعاع قرار دادن شعارهای رادیکال آن است. در تظاهرات پلی تکنیک و دانشگاه شریف با حضور جریان های رادیکال و اصلاح طلب مواجهیم بدون آن که بتوان با قاطعیت برآوردی از نیروهای هریک از آنها داشت، البته در تظاهرات اخیر دانشجویان دانشگاه تهران تقریباً به طور یکدست جریان رادیکال غلبه داشت. انصراف پاره ای از هنرمندان از شرکت در نمایش های حکومتی و نامه برخی از استادان دانشگاه خطاب به خامنه ای و از آن مهمتر وارد صحنه شدن چهره های اصلی اصلاح طلبی، چون موسوی و کروبی و خاتمی، قدیانی و فائزه هاشمی با پامنبری خوانی برخی نمایندگانشان در مجلس نمونه هائی اند از تلاش اصلاح طلبان و همکاران و همپالگی هایشان در بهره برداری از حرکات اعتراضی مردم پس از اصابت راکت سپاه به هواپیمای اوکراینی و نابود کردن زندگی سرنشینان آن. فائزه رفسنجانی چون کروبی و قدیانی مستقیماً رهبر را نشانه

می رود و سخنانش ستراتیژی جناحی از اصلاح طلبان را که نمی خواهند از پایه هایشان زیاد عقب بمانند، در این مرحله بیان می کند. او خواستار کناره گیری ولی فقیه و تغییرات در نظام سیاسی به دست خود خامنه ای می شود و با ذکر مثال گوریچف از او می خواهد تا دیر نشده شرایط انتقال قدرت را فراهم کند تا اسلام و نظام به خطر نیفتند. به سخنان او توجه کنیم:

«آقای خامنه ای به اندازه کافی حکومت کرد و اگر تغییرات بنیادین و انتقال قدرت را خودش ایجاد کند، خود را عاقبت به خیر می کند.» او اضافه می کند: «آقای خامنه ای شما تنها کسی هستید که می توانید بدون هزینه برای مردم و برای جامعه، تغییرات اساسی و عمیق بدهید. با جایگزین کردن نیروهای تخصصی در سیاست داخلی و در سیاست خارجی، به جای معیارهای دیگری که اصلاً ربطی به مدیریت ندارد. مشابه کاری که گوریچف کرد وقتی فهمید این سیاست ها راه به جایی نمی برد و روز به روز شرایط کشور و مردم را در تمامی حوزه ها به جز سلاح و نظامی گری نابود می کند» فائزه رفسنجانی می افزاید «ما نیاز به تغییرات جدی داریم اگر شما به عنوان رهبر جامعه نخواهید این تغییرات را بدهید اتفاقات دیگری می افتد ... الان دیگر خودتان ارزیابی دارید که اسلام در کشور ما در بدترین شرایط خود در طول تاریخ قرار گرفته و بلایی که در این دوران سر اسلام آمده فاجعه است. روز به روز هم با عملکرد و خطاهای بیشتر ما به نام یک کشور اسلامی و به نام نظام اسلامی بدتر و بدتر می شود.»

علت دیگری که اصلاح طلبان حکومتی و در اپوزیسیون را به تکاپو واداشته است، نزدیکی انتخابات مجلس است. سؤال امروز آنها این است که آیا شعار «اصلاح طلب، اصول گرا دیگه تمومه ماجرا» که صحنه مبارزه توده ها در دی ۹۶ و آبان ۹۸ را رقم زد می تواند انتخابات نمایشی حکومت را این بار به هم زند یا نه؟

سناریو روشن است، خطر خیزش کارگران و زحمتکشان (خطر از دید حکومت و اصلاح طلبان!) و گسترش و تعمیق جنبش دانشجویی و جهت گیری های آن در حمایت از خواسته های فرودستان که بارها در تظاهرات و شعارهای ماه های اخیر شاهد آنها بوده ایم، در مرحله اول باعث هراس و فاصله گیری بخش هایی از اقشار میانی از آن شد. اما با قدرت نمایی جناح حاکم به ویژه با زور آزمائی اش در تعزیه گردانی ترور سلیمانی و فاجعه افتضاح سقوط هواپیمای اوکراینی شکاف دیرینه میان حکومت و این اقشار دوباره سرباز کرد. این که به تدریج با گسترش جنبش کارگران و زحمتکشان و عمیق تر شدن شکاف در میان بالائی ها، شمار بیشتری از اقشار میانی به میدان مبارزه با رژیم کشانده شوند به خودی خود امری است مثبت، به ویژه که در ایران حکومتی مذهبی، متکی به ولایت مطلقه فقیه با ساختاری یکسره فاسد، به مدتی بیش از ۴۰ سال است که علاوه بر فشارهای اقتصادی با سیاست های بغایت ارتجاعی فرهنگی و اجتماعی اش علاوه بر کارگران، زحمتکشان و زنان، بخش وسیع و فزاینده ای از دانشگاهیان، وکلای مستقل، هنرمندان، جوانان و دانشجویان و ... را به ستوه آورده است. اما همان طور که در خیزش سال ۱۳۸۸ شاهد بودیم، اعتراضات و تظاهرات این اقشار در نبود هژمونی حضور و گفتمان رادیکال و انقلابی با وجود رهبری اصلاح طلبی که در طول حکومت اسلامی شریک دزد و رفیق قافله بوده است، به بیراهه کشاندن مبارزات بحق مردم و هرز دادن آن در کشاکش تضادهای جناحی طبقه حاکم و کمک به تداوم زندگی نکبت بار آن بوده است. خطری که امروز هم جنبش اعتراضی و رادیکال فرودستان جامعه را که هنوز قوام و استحکام کافی نیافته تهدید می کند. به عبارت دیگر در روندی که هنوز تثبیت نشده است ما با دو گرایش و جریان روبه رو هستیم که یکی سعی دارد خیزش انقلابی را به نفع خود مصادره کند و آن را در خدمت مصالحه خویش با بخشی از حاکمیت قرار دهد و به قول فائزه هاشمی تا دیر نشده [بخوان تا انقلاب نشده] نظام و اسلام را نجات دهد و بخش دیگری که با شعار «اصلاح طلب، اصول گرا دیگه تمومه ماجرا» در دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ وارد صحنه شده اند و کلیت نظام را نشانه گرفته است.

روشن است بسیاری از مسائلی که نگرانی و مقابلهٔ افشار میانی را، با حکومت دامن می زند، برای کارگران و زحمتکشان نیز که غم نان و کار و مسکن دارند، مطرح است. انواع تبعیض های جنسیتی و اجتماعی، سانسور و نقض مستمر آزادی ها و ممانعت از هرگونه سازمانیافتگی اقتصادی - سیاسی، خلاصه تمام مطالبات انباشته شدهٔ دموکراتیک که در طی این چهل و اندی سال سرکوب گردیده اند، به طور حتم نگرانی های کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی هم هست. ستم سیاسی بر گرده توده های فرودست جامعه سنگین تر و شدیدتر است و مانع بزرگی در راه رهائی نهائی آنهاست. از این رو طرح و پیشبرد این مسائل دموکراتیک بیش از هرکس وظیفهٔ نیروهای پیشرو کارگری و انقلابی است. با این تفاوت که دموکراتیسم طبقهٔ کارگر پیگیرترین نوع دموکراتیسم است و برای به فرجام رساندن آن نه تنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را هدف گرفته بلکه نظام استثمار و تبعیض طبقاتی یعنی سرمایه داری را نیز آماج حملاتش قرار می دهد. تأکید بر تمایز و استقلال و وحدت این گرایش در جنبش امروز، نه از سر نفاق و تفرقه اندازی است و نه یک ماجراجویی جداسری، بلکه کمک به ایجاد آن شرایطی است که ضمن سرنگونی جمهوری اسلامی راه را برای پیروزی نهائی بر سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم بگشاید.

سر آخر شاید این گفتهٔ لنین مصداق شرایط امروزی ما نیز هست: «درآمیزی فعالیت دموکراتیک طبقهٔ کارگر با دموکراتیسم طبقات و گروه های دیگر، نیروی جنبش دموکراتیک و مبارزهٔ سیاسی را تضعیف خواهد کرد، از قاطعیت و پیگیری این مبارزه خواهد کاست و آن را برای سازش مستعدتر خواهد ساخت. به عکس تمایز طبقهٔ کارگر در نقش مبارز پیشگام راه دگرگونیهای دموکراتیک، جنبش دموکراتیک و مبارزه برای آزادی های سیاسی را تقویت خواهد کرد، زیرا طبقه کارگر تمام عناصر دموکراتیک و اپوزیسیون سیاسی را به پیش خواهد راند، لیبرال ها را به سوی رادیکال های سیاسی و رادیکال ها را به سوی گسست قطعی پیوند با تمام نظام سیاسی و اجتماعی جامعه کنونی خواهد راند.» (لنین، وظایف سوسیال دموکرات های روسیه).

این شرایط هشیاری زیادی می طلبد. هشیار باشیم!

نه رفرا ند

نه اصلا ح

اعتصاب

انقلاب

— ۲۵ دی [جدی] ۱۳۹۸